

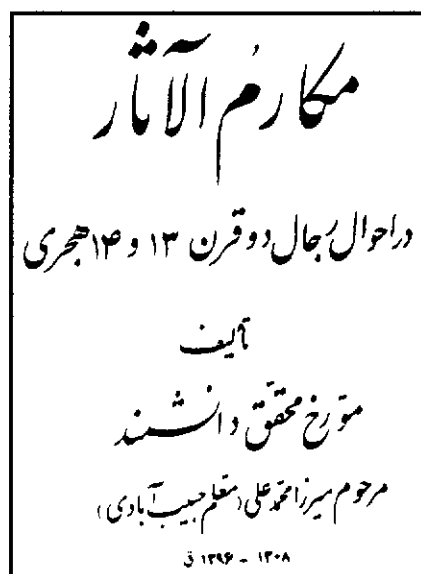
## نگاهی

به

## مکارم الآثار

علی مختاری

زندگینامه نویسی پیشینه ای دیرین دارد و ظهور آن با پیدایش نگارش همزمان است. در میان یونانیان، مسورخان و زندگینامه نویسانی بوده اند که تاریخ، از آنان با افتخار یاد می کند. آنان سرگذشت بزرگان را برای انعکاس چگونگی زندگیشان ثبت و تصویر کرده اند تا بتوان از آنها به عنوان سرمشقی استفاده کرد. پلوتارک<sup>۱</sup> کتاب سرگذشت بزرگان یونان و روم را به این دلیل نوشت تا نمونه ای برای زندگی سیاستمداران باشد. همچنین سوئونیوس<sup>۲</sup> برای ارائه الگویی از زندگی فرمانروایان قدیمی روم، کتاب زندگی دوازده امپراتور رومی را به رشته تحریر درآورد.<sup>۳</sup> در میان مسلمانان، سیره پیامبر خدا(ص) نخستین و گسترده ترین زندگینامه به شمار می آید. همزمان با توجهی که به سیره نبوی مبذول می شد به تدوین حدیث نیز شد و توجه نویسندگان به سنت پیامبر و معصومان علیهم السلام- به حدی رسید که به ابراز عقیده درباره روایان آن نیز پرداختند و تدوین حدیث عامل اصلی پدیداری علم رجال



مکارم الآثار. مرحوم میرزا محمد علی (معلم حبیب آبادی). (چاپ اول: اصفهان، ۱۳۷۵). ج ۷، ۲۸۱ ص، وزیری.

۱- Piutarch، زندگینامه نویسی یونانی است. اثر بزرگ او تحت عنوان حیات مردان نامی، ترجمه رضا مشایخی (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶-۱۳۳۸) به فارسی در چهار جلد ترجمه و منتشر شده است.  
 ۲- کایوس سوئونیوس ترانگیلوس Caius suetonius trnguillus.  
 ۳. زندگینامه ها، محمد عبدالغنی حسن، ترجمه امیره ضمیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۲.

برای ارزیابی سلسله اسناد گردید و این نوشته‌ها، هنر زندگی‌نامه‌نویسی را تقویت و منضبط کرد.

**تاریخ بخاری**، تألیف محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق) از قدیمترین کتب موجود در این زمینه است.<sup>۴</sup> و در همان زمان محمد بن سعد زهری (۱۶۸-۲۳۰ق) مجموعه‌ای از زندگی‌نامه‌های اسلامی را در کتاب **الطبقات** گرد آورد. ابن سعد، دوست و منشی ابو عبد الله محمد بن عمر واقدی مورخ (۱۳۰-۲۰۷ق) بود.

محمد بن سلام جمحی (۲۳۱ق) معاصر این دو نفر است که «طبقات الشعراء» را جمع‌آوری کرده است.<sup>۵</sup> نزدیکی و ارتباط بین دو موضوع تاریخ و رجال موجب شده که زندگی‌نامه‌ها در کتب تاریخ، گنجانده شود.

### انواع زندگی‌نامه

شرح حالنگاری شیوه‌های گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- **زندگی‌نامه‌های عمومی**: یعنی کتابهایی که شرح حال عده‌ای از بزرگان را - بر اساس برجستگی و شایستگی آنان که موجب ماندگاری نامشان شده - که به لحاظ حرفه، طبقه، عصر و کشور با هم اختلاف دارند، در بر می‌گیرد. از این دست است: **نزوة الألباء فی طبقات الأدباء**، اثر کمال الدین الأنباری (۵۱۳-۵۷۷ق) که بر حسب سال وفات صاحبان ترجمه تنظیم شده است؛ **معجم الأدباء** و «ارشاد الأریب إلى معرفة الأديب» تألیف یاقوت حموی (۶۲۶ق) و «وفیات الأعیان» احمد بن خلکان (۶۱۸-۶۸۱ق).

۲- **زندگی‌نامه‌های اعصاری**: این قسم، بر اساس قرون و اعصار تنظیم شده است؛ مانند **یتیمۃ الدهر** از تعالبی (۴۲۹ق) در معرفی شعرای قرن چهارم هجری؛ **مختصر المائة السابعة** از علم الدین البرزالی (۶۶۵-۷۳۹ق) در حالات بزرگان قرن هفتم؛ **البدرد المسافر و تحفة المسافر** از جعفر بن ثعلب الأدفوی (۶۸۵-۷۴۸ق) درباره اعلام قرن هفتم؛ **الدور الکامنة فی أعیان المائة الثامنة** از ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق)؛ **تراجم أعیان القرن الثالث عشر** و **أوائل الرابع عشر** از احمد تیمور (۱۸۷۱-۱۹۳۰)؛ **حلیة البشر فی تاریخ القرن الثالث عشر** اثر شیخ عبدالرزاق حسن البیطار (۱۸۳۴-۱۹۱۶م).

از همین قبیل است تألیفاتی که به شرح حال بزرگان و شخصیت‌های معاصر یا استادان خویش گرایش داشتند؛ مثل: **أعیان العصر وأهوان النصر** از صلاح الدین صفدی (۷۶۴ق)؛ **ذهیبة القصر فی أعیان العصر** از ابن فضل الله العمری (۷۴۸ق)؛

**الدلیل علی الروضتین** از ابوشامه (۵۹۹-۶۶۵ق)؛ درباره معاصران مؤلف در قرن ششم و هفتم. **معجم أشیاخه** از ذهبی (۷۴۸ق) و **المجمع المؤسس**، للمعجم المفهرس که شامل شرح حال استادان و مرشدان نویسنده اش ابن حجر است.

۳- **زندگی‌نامه‌های ستوی**: منظور از ستوی آثاری است که بر حسب سنوات تنظیم شده است؛ مانند کتاب ابن شاکر کتبی (۶۸۱-۷۶۴ق) که در کتاب خود، **عیون التواریخ**، حوادث تا سال ۷۶۰ قمری را ثبت کرده است. همچنین ابن کثیر در **البدایة والنهاية** بعد از شرح حوادث هر سال، بخشی از کتاب را به ذکر شرح حال علما، ادبا و سیاستمدارانی که در آن سال در گذشته‌اند اختصاص داده است. نیز ابن العماد حنبلی کتاب **شذرات الذهب** را به ترتیب از سال اول هجرت تا سال هزارم هجری تنظیم کرد.

۴- **زندگی‌نامه‌های تطفلی** در کتب تاریخ: برخی از مورخان مسلمان هنگام ثبت تاریخ سیاسی و عمومی دولتها، سعی داشتند به شرح حال شخصیتها نیز پردازند. ابن الجوزی (۵۷۹م) در **المنتظم** برای زندگی رجال بیش از حوادث سیاسی، احداث غافل نمانده‌اند؛ نظیر سیوطی در **حسن المحاضرة** و ابن کثیر در **البدایة والنهاية**.

۵- **زندگی‌نامه‌های ضمنی یا خطط و آثار**: منظور، آن تألیفاتی است که ضمن شرح شهرها و آثار باستانی، قصرها، ساختمانها، مساجد، بقعه‌ها و مزارها، امامزاده‌ها، نمازخانه‌ها، مدارس، تکیه‌ها، خانقاهها، ریاطها و پلها، چشم‌اندازها، کلیساها، خندقها، قلعه‌ها، حصارها و بازارها، از افرادی که این آثار را بنا نهاده‌اند یا به نوعی با آنها مرتبط بوده‌اند به اختصار یا تفصیل نام برده‌اند.

در حقیقت کتب **خطط و آثار**، حاوی زندگی‌نامه‌هایی است که در کتب تاریخ عمومی بندرت از آنها نامی به میان می‌آید. در این باره دو کتاب **خطط المقریزی**، که عنوان کامل آن

۴. همان، ص ۱۹.

۵. همان، ص ۱۹.

المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار است، تألیف احمد بن علی مقریزی، از مورخان قرن نهم هجری، و الخطط التوفیقیة، تألیف علی مبارک، در بیست جلد، بسیار سودمند و کارآمد است.

۶- طبقات: کتب طبقات، بر محور موضوعات تنظیم شده اند و در آنها شرح حال بزرگان بر حسب دانشی که در آن تخصص دارند مرتب می شود نه بر اساس ترتیب الفبایی یا زمانی و ... . الطبقات ابن سعد، و التاریخ الکبیر بخاری گوی سبقت را در این میدان از دیگران ربودند.

این دست از نوشته ها که از هویت صنفی یک گروه بحث می کند از تنوع زیادی برخوردار است، مثل طبقات فقها، طبقات محدثان و حفاظ، مفسران، قاریان، نحویان، شعرا، صوفیان، قضات، اطباء، فیلسوفان و حکما.

هر کدام نیز قابل تقسیم به فروعاتی است. مثلاً درباره طبقات فقها، کتاب طبقات الفقهاء، تألیف ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (۳۹۳-۴۷۶ق) درباره طبقات مذاهب چهارگانه به انضمام مذهب ظاهری است؛ ولی بیشتر طبقات الفقهاء مخصوص فقهای یک مذهب است. از قبیل طبقات الشافعیة الکبری از تاج الدین سبکی (۷۲۷-۷۷۱ق) و طبقات الشافعیة ابن قاضی شهبه دمشقی (۷۷۹-۸۵۱ق). همچنین الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة از عبدالقادر بن محمد بن ابی الوفای قرشی (۶۹۶-۷۷۵ق) و طبقات السنیة فی تراجم الحنفیة از تقی الدین عبدالقادر مصری (م ۱۰۰۵ق) و الطبقات الحنبلیة از ابوالحسین محمد بن ابی یعلی الفراء (۴۵۱-۵۲۶ق) و الملوک یا طبقات المالکیة و اللیباج الملتهب فی علماء المذهب از ابراهیم بن علی بن فرحون مالکی.

۷- زندگینامه زنان: مانند تاریخ النساء از ابوالمظفر محمد بن احمد ابیوردی (م ۵۵۷ق)؛ معجم النسوان از ابن عساکر؛ تاریخ نساء الخلفاء من الحرائر والاماه از علی بن انیب بغدادی (۵۹۳-۶۷۴ق)؛ بلاغات النساء از احمد بن ابی طاهر طیفور خراسانی (۲۰۴-۲۸۰ق)؛ الدر المنثور، فی طبقات ریات الخلدور از خانم زینب فواز سوری (م ۱۹۱۴)؛ اعلام النساء فی عالمی العرب والاسلام از عمر رضا کحاله، نساء شهیرات من الشرق والغرب از ادیب و داد با همکاری خاتم تماضر توفیق؛ نساء متفوقات از سلمی حفار گزبری.

۸- زندگینامه های منطقه ای و موضعی: هدف این نوع آثار معرفی مفاخر شهر یا منطقه جغرافیایی مخصوص است؛ مثل: تذکرة قبور یا زندگانی دانشمندان و بزرگان اصفهان، تألیف مرحوم سید مصلح الدین مهدوی؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس از

آدمیت؛ دانشمندان آذربایجان؛ و نامها و نامدارهای گیلان از جهانگیر سرتیپ پور.

۹- زندگینامه های خودنوشت: از این قبیل کم است، ولی اگر از اغراق و خودستایی خالی باشد، دقیقترین نکات و اطلاعات را دارا خواهد بود؛ مثل: سیاحت شرق از آقاجفی قوچانی؛ التحدت بتعمة الله از جلال الدین سیوطی و الايام از دکتر طه حسین مصری؛ زندگینامه خودنوشت شهید ثانی، مندرج در الدر المنثور ...

بیشتر آثاری که تا بند هفتم یاد شد، از اهل سنت بود، ولی عالمان سختکوش و پرتلاش شیعه نیز در همه رشته های علوم اسلامی قلم زده اند و آثاری بس سودمند از خود برجای نهاده اند.

آیت الله سید حسن صدر-قدس سره- در کتاب پیراج تأسیس الشیعة الکرام لمعلوم الاسلام گوشه ای از این تلاشها را نشان داده است. یکی از رشته هایی که عالمان شیعه به آن پرداخته و آثار گونه گونی به وجود آورده اند؛ فن تراجم یا سرگذشت نگاری است.

برخی از این آثار مخصوص بزرگان شیعه است؛ مانند: اعیان الشیعة از علامه سید محسن امین؛ طبقات اعلام الشیعة از شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ شهداء الفضیلة از علامه امینی؛ الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة از محدث قمی؛ فلاسفة الشیعة از عبدالله نعمه؛ مفاخر اسلام از استاد علی دوانی.

و برخی دیگر اعم از سرگذشت عالمان شیعه و سنتی است؛ مانند: ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب از مدرس تبریزی؛ الکنی والألقاب وهدیة الأعیاب هر دو از محدث قمی؛ ریاض العلماء از مولی عبدالله افندی، که در آن، بخش عالمان شیعه و عالمان سنی جدا شده است؛ روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات از آیت الله سید محمد باقر خوانساری.

و برخی از این آثار ویژه سرگذشت یک شخصیت است؛ مانند: هدیة الرازی فی احوال المجدد الشیرازی از شیخ آقا بزرگ تهرانی؛ و حید بهبهانی از استاد علی دوانی؛ سرگذشت شیخ

انصاری از مرتضی انصاری؛ مرگی در نور: سرگذشت آخوند خراسانی، از کفایی؛ فضیلت‌های فراموش شده: سرگذشت حاج آخوند ملاعباس تربتی، از مرحوم راشد؛ نشان از بی نشانها: شرح حال شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی، از مقدادی.

### واما مکارم الآثار

معرفی مفاخر و شناخت شخصیت‌های هر جامعه، نشان‌دهنده اعتلای فرهنگی آن جامعه است. از طرفی توجه به موفقیت‌های بزرگمردان این مرز و بوم، چراغ راه و مشوق آیندگان است که گفته‌اند: «ره چنان رو، که ره روان رفتند».

یکی از کارآمدترین آثاری که سرگذشت بزرگان را به ترتیب سال تولد و وفات، تدوین کرده، مکارم الآثار است که تاکنون هفت مجلد آن، طی سی و هفت سال (۱۳۳۷ق=۱۳۷۴ش) منتشر شده است و از وقایع (۱۹۳ق) شروع و تا پایان (۱۲۸۴ق=۱۲۸۴ش) را در بر می‌گیرد.

مکارم الآثار حاوی شرح حال بسیاری از بزرگان، رجال سیاسی، عالمان، ادیبان، حکیمان، شاعران و برخی مستشرقان است. نویسنده مؤلف این اثر گرانقدر، مرحوم میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی است. سالها پیش جناب استاد، استادی-دامت افاضاته- درباره ایشان فرموده‌اند: در آغاز جلد پنجم مکارم الآثار مجموعه‌ای از نوشته‌ها و سروده‌های دوستان و ارادتمندان مرحوم معلم حبیب آبادی به عنوان «یادنامه» ای برای آن مرحوم گردآوری و چاپ شده که برای بهتر شناساندن شخصیت آن دانشمند فقید، سودمند است. نگارنده با سیری اجمالی در این یادنامه و نظری در مطالب جلد پنجم کتاب به نکاتی از خصائص ذاتی مرحوم معلم برخوردیم که مرا تحت تأثیر قرار داد. یکی از این خصایص، اخلاص و تواضع خاص اوست و دیگری ارادتمندی وی به خاندان رسالت و سوم دقت و مواظبت در نگارش و امانت‌داری در نقل، که هر یک از این سه نکته در مکارم الآثار جا به جا تجلی نموده است.<sup>۶</sup> در «یادنامه» از زبان آشنایان معلم آمده است:

«معلم در همه نوشته‌های خود اولاً از راه بی طرفی منحرف نشد و ثانیاً در هر حال عقّت قلم را رعایت کرد. در جهان علم و حقیقت‌جویی و در عالم اخلاق و وارستگی مردی با ارج و گرانقدر بود.» (ص ۱۹ یادنامه).

«چگونه می‌توان تصور کرد که مردی بیش از شصت سال، در هر روز دست کم دوازده ساعت بدون هیچ گونه توقع پاداشی، به تحقیق و مطالعه و نگارش بپردازد.» (ص ۲۳).

درباره اش سروده‌اند:

سراسر عمر او تحقیق و تدوین  
مدام کار او تألیف و تنظیم  
«معلم در تدوین آثار خود جدیت فوق‌العاده داشت و همواره می‌کوشید آثاری باقی گذارد که درست و مستند باشد؛ از او جز صفا و پاکی و مهر و محبت و مودت و رعایت آداب محاوره و معاشرت دیده نمی‌شد.» (ص ۲۷).

لسان و یدش خیر در خیر بود  
برای خدا بود و لا غیر بود

«زبده تربیت صحیح و اصیل اسلامی بود، تعلم و تعلیم را ابتغاء المرصاة الله آغاز کرد و به انجام برد. گفتار و کرداری مسلمانانه داشت، عفاف و کفاف ناگفتنی داشت.» (ص ۴۲).

هم صاف خلق نیک، هم صاحب روح پاک  
هم مؤمن و باتقوا، هم عارف و عالم بود  
لفظ و قلم صدقش، اندر روش تحقیق  
از کذب و غرض خالی، وز شایبه سالم بود

«نشانه اخلاصش اینکه درباره خود می‌نویسد «وقتی سرتاسر عمرم را ملاحظه می‌کنم می‌بینم همه به خسران و وبال گذشته و چیزی که بتوان در پیشگاه الهی عرض نمود ندارم، مگر امید به رحمت و اسعه و عفو از خطیئات فاجعه.» (ص ۹).

### دقت در نگارش

اگر در عبارتی تصرف ناچیزی هم می‌کرد، متذکر می‌شد؛ مثلاً ذیل شرح حال میرزا حسن سامانی، مطلبی از مقدمه دیوان قآنی نقل می‌کند و در پایان می‌نویسد «انتهی بتغییر یسیر.» (ج ۵، ص ۱۵۲۵). همچنین ر.ک: ص ۲۳۳۲، سطر ۳.

در موارد فراوانی به تصحیح و نقد نوشته‌های پیشین می‌پردازد؛ مثل ج ۵، ص ۱۶۹۳؛ ۱۸۲۴، ۱۵۶۷.

حبیب آبادی به خاندان پیامبر (ص) عشق می‌ورزید و

۶. چهل مقاله، رضا استادی، ص ۶۱۷-۶۲۲؛ مجله وحید، ش ۲۰۶، ص ۲۵ به بعد، مقاله «اخلاص عمل» بانذکی تلخیص.

جلوه‌هایی از عشق به عترت - علیهم السلام - در جای جای نوشته‌هایش مشهود است. ر. ک: ج ۷، ص ۲۳۲۶-۲۳۲۷؛ ج ۵، ص ۱؛ ج ۵، ص ۱۷۸۷.

از سیاق مکارم الآثار برمی‌آید که بیشتر در صدد شناساندن بزرگان دین و علماست و معرفی اعیان و اشراف، سیاستمداران، مستشرقان و صوفیان جنبه طفیلی دارد. گرچه برخی معرفی سایرین را در کنار بزرگان دین بر معلم خرد گرفته‌اند و گفته‌اند ذکر نام یک مرجع تقلید در کنار فلان مستشرق یا شیخ پشم‌الدین کشکولی چه تناسبی دارد، لیکن می‌توان این سبک را از امتیازات این اثر یا لااقل لازمه وقایع‌نگاری دانست.

معلم حبیب‌آبادی، با توکل بر قدرت الهی و با دستی خالی و محدودیت امکانات تحقیقاتی و اطلاع‌رسانی و بدون کمترین چشمداشتی، فداکاری کرد و خانواده و هستی خویش را فدای شناساندن مفاخر اسلام کرد.

اگر امروز شخصیتی رجالی چون استاد روضاتی برای احیای این آثار دامن همت به کمر نبسته بود، تلی از غبار غربت و مظلومیت بر این نبشته‌ها انباشته می‌شد و برخی از فرزندان این فرهنگ فراموش می‌شدند.

زحمات مصحح کتاب اگر بیش از مؤلف نباشد، کمتر نیست. همچنین اضافات و تعلیقات استاد علامه روضاتی، کمتر از اصل کتاب نیست. و سودمندی و کارآمدی کتاب را بس افزون ساخته است.

استاد روضاتی در «پیشگفتار» نوشته است:

از دشواریهای استخراج، ارجاعات، ترتیب، تنظیم شماره‌گذاری تراجم، تکمیل کردن ناقصی‌ها، سامان دادن متن، تهیه فهرست، تصاویر، اسناد، تصحیح مکرر نمونه‌ها و تحمل دیگر سخنی‌ها سخن بیش به میان نمی‌آوریم.

اما درباره‌ی تحریر تعلیقات کتاب باید بگوییم که همه به اقتضای حال و مجال، گاه به تفصیل و گاه به اجمال برگزار شد، و تا آنجا که در توان بود در تصحیح و توضیح و تکمیل متن و آوردن فواید گوناگون کوتاهی روانداشتیم. اینک، هرچه هست اثر کوشش انفرادی مستمر چهل ماهه است تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

فواید و ویژگیهای جلد هفتم این اثر

\* اشعار سودمندی به زبان عربی و فارسی در این اثر، به مناسبت‌های گوناگون، گرد آمده، که عمدتاً از عالمان شاعریا

شاعران بی‌دیوان است.

ر. ک: صفحات ۲۳۲۹-۲۳۲۸، ۲۲۸۴، ۲۳۸۵-۲۳۸۴، ۲۲۸۶، ۲۲۹۵، ۲۴۲۸، ۲۴۲۹، ۲۴۳۰، ۲۴۳۱، ۲۵۱۴، ۲۵۲۲، ۲۵۲۴، ۲۵۲۵، ۲۵۴۳، ۲۵۶۹، ۲۵۷۴-۲۵۷۶، ۲۶۴۲، ۲۶۴۳، ۲۶۴۶، ۲۶۴۷، ۲۶۴۸، ۲۶۵۴.

\* دارای تصاویر بعضی از بزرگان و برخی از صحنه‌های

تاریخی است.

\* خط بسیاری از مراجع و علمای بزرگ را ثبت کرده است.

ر. ک: صفحات ۲۳۷۲، ۲۵۰۲۵، ۲۵۰۷، ۲۵۰۱، ۲۵۸۱، ۲۵۸۹، ۲۶۱۵، ۲۶۳۲، ۲۶۶۶، ۲۶۸۳، ۲۶۸۵، ۲۷۰۴.

\* در مواردی اثر مهر و خاتم علما چاپ شده است؛ مثل:

ص ۲۳۱۴-۲۳۶۱، ۲۳۹۲.

\* هم مؤلف و هم مصحح متبّع برای ارائه منابع، به نشریات

فراوانی ارجاع داده‌اند که این بخش خود کتابنامه‌ای در معرفی مجله‌ها و روزنامه‌های معاصر است. ضمناً به رونق، گستره، طلوع و افول بسیاری از نشریات، پرداخته شده است. مثلاً درباره‌ی سید جلال‌الدین کاشانی، مدیر روزنامه‌ی حبل‌المتین، آورده است:

مقارن سنه ۱۳۱۱، سید جمال‌الدین در انگلستان و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، وزیر مختار دولت ایران در لندن بودند و در اثر مکاتباتی که میان این سه نفر ردّ و بدل شد رأی هر سه به این قرار گرفت که باید به وسیله‌ی جراید مردم ایران را مهیای انقلاب فکری نمود. و بدین منظور میرزا ملکم‌خان روزنامه‌ی «قانون» را در لندن و سید جمال‌الدین روزنامه‌ی «حبل‌المتین» را در کلکته منتشر کرد و تا آخر عمر وی ادامه داشت، و در این مدت قریب چهل سال، چهل و سه مرتبه توقیف شد و باز برای اقتاد و یک دفعه آن از سنه ۱۳۳۵ تا سنه ۱۳۴۳ هشت سال طول کشید؛ چنانکه خود او هم چندین بار از طرف حکومت هند محکوم به تبعید و برعکس ده بار هم از هند عازم حرکت بود. و از حکومت هند محجور [ممنوع الخروج] می‌شد و چندین بار هم روزنامه‌اش از ورود به ایران ممنوع بود و مدت ده سال هر هفته‌ای پنج هزار نسخه آن را از هر شماره‌ای - برای

ترغیب عموم مردم به خواندن - میان علمای عتبات و ایران مجاناً توزیع می نمود.

و مختصر، این روزنامه از همه روزنامه های آزاد فارسی اقدم و اشهر و در بیدار کردن مردم ایران ادخل بوده و هر شماره ای در حین انتشار به چندین زبان ترجمه می شد ... [تألیف] دویم او «مجله هفتگی مفتاح الظفر» انتشار آن سنه ۱۳۱۵؛ سیم: «مجله هفتگی آزاد»؛ چهارم «روزنامه یومیه کلکته» به زبان اردو - و این دو را سنه ۱۳۱۶ تأسیس نموده. پنجم «مجله هفتگی ملک و ملت» به انگلیسی انتشار آن سنه ۱۳۲۱. ششم «روزنامه حبل المتین» به زبان اردو و بنگاله، - غیر از اول که نوشتیم - اشاعه آن حدود (۱۳۳۰). هفتم «روزنامه حبل المتین» دیگر هفتگی انگلیسی که در حدود (۱۳۳۲) آن را نشر داده. (ص ۲۲۹۴-۲۲۹۵).

و در شرح حال خاندان حاج مشیرالملک نائینی اصفهانی آورده است ... سید نصرالله خان سیف پور فاطمی نماینده دوره چهاردهم نجف آباد در مجلس شورا تألیفاتی دارد: اول مجله باختر که در سال ۱۳۵۲ در اصفهان منتشر شد و با انتشار یازدهمین شماره در ماه رجب ۱۳۵۴، تبدیل به روزنامه باختر شد. (ص ۲۲۷۰-۲۲۷۱).

\* مکارم الآثار به مکارم اخلاق نیز پرداخته و می گوید احیاگر ارزشهای معنوی باشد. مثلاً ضمن نقل فضیلت‌های حاج میرزا خلیل طیب تهرانی می نویسد:

«مؤلف این کتاب، فقیر سراپا تقصیر، محمد علی معلم حبیب آبادی - عفا الله عن جرائمه - به عرض می رساند که افسوس، افسوس، اطباء سابقه، همه از اهل علم و فضل و ادب و زهد و تقوا و عبادت و عقیدت به مبدأ و معاد بودند، وقتی در «گاهنامه سید جلال الدین» و غیره به معجم متجمین می نگریم و شرح احوال هیئت و نجوم را می خوانیم می بینیم بسیاری از ایشان طیب بوده اند، و وقتی در کتاب معجم ادباء الأطباء و غیره به احوال اهل علوم ادبیه مراجعت می کنیم می بینیم چقدر اطبا در میان ایشان بوده اند.

و همچنین بسیاری از اطبا را شنیده بلکه خود نیز دیده ایم که اهل عبادت و تهجد و نماز شب و قرآن و دعا بودند و عقیده به مبدأ و معاد و قدرت حق و افاضت فیض از فیاض مطلق داشتند و همواره آیت مبارک «وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین» و همچنین «بمحواله ما یشاء و یثبت و عنده أم الكتاب» را در نظر می آوردند و با توجه به مضامین آنها معالجه می نمودند. لذا از مبدأ فیض، تدابیر عملیه و معالجات علمیه به قلوب پاک آنها القا می گردید و دستورات آنان تأثیرات عجیبه

می بخشید.

اما امروز طبیبان عصر حاضر همه - از اروپا و آمریکا رفته و نرفته - تقلید کورکورانه تمدن و طبابت جدید اروپایی را نموده و نخست چیزی که از آن یاد می گیرند، استقلال طبیعت و نفی ماورای آن، و در مورد عمل، ترك دواهای گل و گیاه ایرانی و استعمال ادویه بسیار گرانبه قیمت فرنگی و ... است. و مبادا سوء تفاهم به هم رسد که این فقیر کشفیات طبی جدید اروپایی را انکار داشته باشم، حاشا و کلاً؛ اینها چیزهایی است که قابل انکار نیست و بالحسن و العیان مشهود است. کلام در این است که باید دکترها اولاً در حین معالجه، عمل خود را مستقل التأثير ندانسته و با توجه به مشیت و اراده حق و عقیده به مبدأ و معاد و دین و آیات قرآن، دستوری بدهند؛ و ثانیاً با توجه به کشفیات جدید، گل و گیاه ایرانی را هم که بر طبق فرمایش «أعط کل بدن ماعودته» در ابدان مردم ایران تأثیری کلی دارد قدری به کار بندند. (ص ۲۳۲۷-۲۳۲۸).

همچنین مطالب آموزنده ای درباره شیخ انصاری و آقا سید علی قاضی طباطبایی دارد. ر. ک: صفحات ۲۳۶۴ و ۲۶۹۵.

### چند نکته دیگر

۱- پیشتر گفتیم نقش مصحح در سامان دادن به این کتاب کمتر از مؤلف نیست، با اینهمه استاد روضاتی از سر فروتنی نام خود را بر صفحه عنوان کتاب نهاده است.

۲- در این اثر بندرت اغلاط مطبعی یافت می شود، گرچه خالی از آن نیست؛ مثل: سید محمدرضا حسینی / سید محمدرضا حسینی (ص ۲۲۲۹)، جنگ بی المللی / جنگ بین الملل (ص ۲۶۱۴). مرآة السلطنه / مرآت السلطنه عرفاء / عرفا ص ۲۵۷۲، در سیاست قطع کن زمین دو سر / در سیاست قطع کن زمین هر دو سر، ص ۲۲۹۵.

\* از آنجا که شرح حال علمای دوران خفقان رضاخان ذکر شده و علما از محورهای امور سیاسی ایران هستند، این اثر منبع مفیدی برای حوادث و جریانات سیاسی تاریخ معاصر به حساب می آید.

\* جلد هفتم دارای فهرستی الفبایی است، ولی متأسفانه آخر قرار نگرفته و قبل از ده صفحه به آخر کتاب مانده پنهان شده است. اگر فهرستهای راهنمای دیگری هم به آن افزوده می شد حسن و بهایش مضاعف می شد.

\* از آنجا که شهر اصفهان - خصوصاً در قرون اخیر - دارای موقعیت برجسته سیاسی و فرهنگی بوده و حوزه علمیه اش از مراکز کهن افتخار آفرین ایران اسلامی و مجمع دانشوران و فرهیختگان شیعه بوده است، و از طرفی رویش و پرورش و بالندگی نهال مؤلف و مصحح این اثر، همین شهر است به مقتضای «اهل البیت ادری بما فی البیت»، این اثر هم شخصیت‌های زیادی را می شناساند و هم دقیقترین و ظریفترین اطلاعات را در اختیار دانش پژوهان می نهد.

\* حسن دیگر این اثر ضبط نکات بسیار دقیق و ریزه کاریهایی است که در هیچ منبع دیگری یافت نمی شود. فی المثل، دقت کم نظیر مصحح در ماده تاریخیایی که برای حوادث مختلف گفته شده و محاسبه دقیق آنها و تصحیح تاریخها به کمک ماده تاریخ و بالعکس. ر. ک: ص ۲۲۲۴؛ ۲۴۴۲؛ ۲۳۷۰. و بسیاری از محاسبات و ژرفنگریهایی که جز از افراد متضلع ساخته نیست در این کتاب هست. برای نمونه به شرح حال آقا محمد اسماعیل خواجهی اصفهانی بنگرید که چگونه مصحح توانمند، توضیح می دهد که دو شخصیت با این مشخصات در اصفهان بوده است: یکی جد و دیگری نبیره او.

زندگانی مرحوم حاج سید ابوالحسن اصفهانی و شهادت فرزندش به قدری دقیق نگارش یافته که در هیچ جای دیگر ظرایفش را نمی یابیم. استاد روضاتی حتی بسیاری از اعلامیه های ترحیم را چاپ کرده و خواننده را در جو و حال و هوای آن روزگار و بازتاب حوادث قرار می دهد. همچنین معرفی دقیق خاندان فانی اصفهانی، و جزئیاتی از حیات و مامت مرحوم آیت الله حاج میر سید علی علامه فانی قدس سره. ر. ک: ص ۲۳۶۸-۲۳۷۲.

\* در مواردی - هر چند اندک - که در لابه لای نقل رخداد های تاریخی، از بعضی ایادی استعمار و زمینه سازان سلطه بیگانگان، ستایش شده است، مصحح محترم، چشم بسته و نادیده از کنارش نگذشته بلکه تذکری داده و اسنادی نقل کرده است تا خواننده، به آرای مختلف آگاه گردد و خائن را خادم نشمارد، چنانکه پس از نقل «تأثیر روزنامه «قانون» و تلاش میرزا ملکم خان ناظم الدوله در

بیداری ایرانیان؛ می نویسد؛ «... این گونه افراد صاحبان اقلام مستأجره بودند که روزنامه هایشان، جز نشر عقاید الحادی و خدمت به اجانب، هدف دیگری نداشت. لقد صدق القائل الکریم: شرّ الأمور محدثاتها. مرحوم محمود محمود گوید: «از سال ۱۳۰۹ ق انگلیسی ها، زمین و زمان را بر علیه شاه و صدراعظم ایران برانگیخته بودند، روزنامه «قانون» در لندن، روزنامه هفتگی «جبل المتین» از کلکته ... تمام اینها تهیه یک مقدمه بود که از یک انقلاب دامنه داری در ایران - که عن قریب روی خواهد داد - خبر می داد.»<sup>۷</sup>

\* عشق استاد روضاتی به مفاخر اسلامی اصفهان و گورشناس بودن و قدر زر دانستن او سبب شده که سیمای زیبایی از مزار بسیار کهن تخت فولاد اصفهان ارائه دهد و تا آنجا که لوح بعضی قبرها و کتیبه ها را هم چاپ کرده است و به بسیاری از آثاری که جز بر اهل فن پوشیده است، دست کم اشارتی دارد و می گویند:

... اینکه در این تعلیقه، ما بیش از حد متعارف، به وصف مزارات و نقل سنگ نبشته ها پرداختیم به همین جهت است که اگر در آینده - خدای ناخواسته - اثری از آن همه ذخائر و موارث فرهنگی و دینی باقی نماند، دست کم تاریخچه ای از آنها در این کتاب ثبت و ضبط شده باشد ...



۷. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۶، ص ۲۴۰.